



Afghan Lawyers Association  
in Europe



Vereniging Afghaanse Juristen in Europa

## روز جهانی عدالت اجتماعی را گرامی می‌داریم

عدالت اجتماعی یک مفهوم جدید در تاریخ معاصر می‌باشد. بعد از ایجاد سازمان ملل متحد، نشر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقها و اسناد ناشی از آن و همچنان بعد از آنکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیستم فبروری را بحیث روز جهانی " عدالت اجتماعی " تصویب کرد ، این مفهوم بمتابجه اصل جهانی در برابر تمام دولت ها ، موسسات غیر دولتی و شهروندان جهان قرار دارد و نپرداختن و عدم تلاش در راستای تطبیق آن نقض مسئولیت اخلاقی پنداشته میشود .

ماده ششم قانون اساسی نافذ مکلفیت دولت را در رابطه چنین تسجیل نموده است :  
" دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تامین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می‌باشد."

عدالت اجتماعی با توزیع منصفانه در همه عرصه های حیات اجتماعی پیوند اساسی دارد که با تحقق آن مفاهیم جاودان برابری ، مساوات و عدالت تامین و کرامت انسان اینای بشرحراست میگردد .

صحبت از عدالت اجتماعی در قرن ( ۲۱ ) شامل :

- عدالت در تنظیم امور ، کارزایی و استخدام

- عدالت در توزیع

- عدالت سیاسی

- عدالت در آموزش و پرورش

- عدالت در صحت عامه

- عدالت در امنیت اجتماعی و ...

میگردد که بتواند زمینه های رفع تبعیض و تمایز در تمام بخش های جامعه بشمول تبعیض جنسیتی ، ممکن و دستیابی عدالت برای همه را میسر بسازد .

اما متاسفانه واقعیت های اسفناک جهان ، مبین این واقعیت تلخ است که :

جامعه بشری با اصل عدالت اجتماعی فرسخ ها فاصله دارد و این فاصله روز تا روز وسیع گردیده و بیک خلیج بزرگ در مقیاس جهانی و ملی مبدل شده است :

- ( ۸۲ ) فیصد ثروت جهان در اختیار فقط یک فیصد نفوس جهان قرار دارد .

- ( ۴۳ ) فیصد زمین های جهان در اختیار یک فیصد نفوس جهان قرار دارد .

- ( ۸ ) فرد ثروتمند ، ثروت معادل ، ( ۵۰ ) فیصد جهان را در اختیار دارند .

- یک فیصد نفوس جهان ثروت بیشتر از پنجاه فیصد نفوس جهان را دارا میباشند .

کافی است بدانیم که :

سونامی فقر و سونامی محیط زیست که هر دو محصول نقض عدالت اجتماعی است ، با آفت جنگ ، همین اکنون جهان ما را در لب پرتگاه سقوط قرار داده است .

متاسفانه افغانستان دیگر به قبرستان ارزشها و منجمله اصل عدالت و عدالت اجتماعی مبدل گردیده است .

جنگ خانمانسوز، دولت فساد، اقتصاد جرمی و مواد مخدر، اساسات جامعه را درهم ریخته است. سی میلیون نفوس کشور در گرو حدود سه صد تن از زر سالاران، با گنج های قارونی نا مشروع، قرار دارند.

تا حدود هفتاد فیصد نفوس در مرز فقر قرار داشته و ثلث نفوس شبانه گرسنه بخواب میروند. حسب ارقام سازمان ملل متحد تا سیزده میلیون تن فاقد " امنیت غذایی " میباشند و بیشتر از نیم جمعیت واجد کار، در صف بیکاران قرار دارند.

ستراتیژی فقرزدایی در سطح شعار تبلیغی باقیمانده و ناکام است. افزون بر مصایب جنگ و فقدان دولت مقتدر قانون محور و عدالت گستر، نبود صدای عدالتخواهی و عدم حضور مدافعان عدالت اجتماعی، از عوامل اساسی مرگ عدالت اجتماعی در افغانستان پنداشته میشود.

با احترام

شورای رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا  
میر عبدالواحد سادات رئیس انجمن

